

داستان شگفت انگیز سعد بن معاذ

<?xml encoding="UTF-8?">

امام صادق علیه السلام می فرماید: گروهی نزد پیامبر خدا آمدند و او را به مرگ سعد بن معاذ خبر دادند، پیامبر با اصحاب برای تجهیز سعد حرکت کردند، و در حالی که بر چهارچوب در غسال خانه قرار داشتند به غسل دادن بدن سعد فرمان دادند. هنگامی که او را حنوط و کفن کردند و بر تخته ای برای حمل به سوی بقیع قرار دادند، حضرت با پای برهنه و بدون عبا دنبال جنازه حرکت کردند، سپس گاهی طرف راست جنازه را بر دوش می گرفتند و گاهی طرف چپ را تا به قبر رسیدند. پیامبر وارد قبر شد و با دست مبارکش لحد چید و از اصحاب می خواست که سنگ و خاک به حضرت دهند تا روزنه های بین لحد را بگیرد؛ چون فارغ شدند و خاک روی لحد ریخته شد و قبر به طور کامل بسته شد،

فرمود: من می دانم به زودی جنازه می پوسد ولی خدا بنده ای را دوست دارد که هرگاه کاری می کند محکم و استوار انجام می دهد، به این خاطر در چینش لحد و بستن روزنه های آن با سنگ و خاک دقت کردم.

در آن لحظه مادر داغیده ی سعد از گوشه ای فریاد برداشت: ای سعد! بهشت بر تو گوارا باد، ولی پیامبر فرمودند: ای مادر سعدا مطلبی را بر پروردگارت در مورد فرزندت این گونه قاطع و یقینی نسبت مده؛ زیرا فشار سختی به سعد وارد شد!!

چون پیامبر و مردم از دفن سعد برگشتند، گفتند: ای پیامبر خدا! کاری را از شما در مورد سعد دیدیم که بر کسی ندیدیم، با پای برهنه و بدون عبا تشییع جنازه آمدید. فرمودند: در این حالت به فرشتگانی که به تشییع آمده بودند اقتدا کردم. گاهی جانب راست و گاهی جانب چپ جنازه را بر دوش گرفتید.

فرمود: در تشییع جنازه دستم در دست جبرئیل بود، آنچه او انجام داد من انجام دادم. گفتند: شما برای غسلش اجازه دادی و بر او نماز گزاردی و لحدش را چیدی آن گاه گفتی: فشاری سخت بر او وارد شد! فرمود: آری، زیرا با خانواده اش بداخلاق بود! ولی اگر انسان از ایمانی متوسط یا حداقل، و عملی اندک برخوردار باشد ولی با سرمایه ای سرشار از مکارم اخلاقی زندگی کند، و با خانواده و اقوام و مردم در همه ی زمینه های اخلاقی خوش رفتار باشد در دنیا کمتر دچار مشکل می شود و در آخرت مکارم اخلاقش رحمت و فیوضات بی نهایت حق را جذب می کند.